

۹۴۹۹۷

نگاهی به عملکرد  
تشکل‌های صنفی صنعت کتاب ایران در حوزه حق مؤلف

آقای علی اعظم محمدی‌بیگی  
پژوهشگر اقتصاد فرهنگ

۱. مقدمه

در صورت نقض شدن حقوق مادی یا معنوی پدیدآورنده کتاب، اعم از نویسنده یا ناشران، بر خلاف برخی جرایم مانند قتل نفس که دولت بدون نیاز به وجود شاکی خصوصی و با هدف حفظ وجدان عمومی جامعه مبادرت به تعقیب و مجازات عامل آن می‌کند، تا زمانی که پدیدآورنده مورد نظر به عنوان شاکی خصوصی اقدام به طرح شکایت در مورد نقض حقوق مذکور نکرده باشد حکومت قوه قاهره خود را برای مجازات ناقض این حقوق به کار نخواهد گرفت. برای مثال، اگر اثر یک نویسنده بدون اجازه وی منتشر شده باشد، تا زمانی که وی از عامل این نشر غیر مجاز اثر به قوه قضائیه شکایت نکند مجازات‌های مقرر در قانون حق مؤلف در مورد ناشر متخلف اعمال نخواهد شد<sup>۱</sup>. اما به دلایلی چند،

۱. در قانون حق مؤلف ایران، موسوم به «قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان»

پدیدآورنده کتاب اغلب به تنهایی قادر نیست ناقض حقوق خود را تعقیب کرده و در نهایت حقوق مادی و یا معنوی نقض شده را اعاده کند. در این جا، دو دلیل مهم این امر بیان خواهد شد.

اولاً، در بسیاری از موارد نقض حقوق پدیدآورنده کتاب و، به طور کلی، هر اثر علمی یا فرهنگی یا هنری، به فرض آن که پدیدآورنده از مورد مشخص نقض این حقوق آگاهی داشته باشد، بالا بودن نسبی هزینه‌های مالی و غیر مالی تعقیب قضایی ناقض حقوق مذکور سبب می‌شود که وی از پیگیری حقوق نقض شده صرف نظر کند. این وضعیت تا حد زیادی در کشورهای در حال توسعه مصداق پیدا می‌کند که ناتوانی و عدم کارایی دستگاه قضایی در تعقیب مجرمان و احقاق حقوق شهروندان و، در نتیجه، هزینه اقتصادی نسبتاً سنگین پیگیری مجرم، صاحبان حق از جمله پدیدآورندگان کتاب را از اعاده حقوق نقض شده خود باز می‌دارد.

ثانیاً، حتی اگر دستگاه قضایی عزم و توانایی و کارایی لازم برای پیگیری موارد اعلام شده نقض حقوق پدیدآورندگان کتاب را داشته باشد، پدیدآورندگان مذکور اغلب قادر نیستند از انواع استفاده احتمالی از اثر خویش که در پهنه جغرافیایی کشور خود و حتی در کشورهای دیگر رخ می‌دهد آگاه شوند.<sup>۱</sup> به این ترتیب، برخی از موارد استفاده انتفاعی از اثر از دید پدیدآورنده آن پنهان خواهد ماند و، در نتیجه، بخشی از منافع

→ و هنرمندان» (که در سال ۱۳۴۸ به تصویب رسیده) نیاز به وجود شاکی خصوصی برای اعمال مجازات‌های قانونی در مورد ناقضان حقوق پدیدآورنده تصریح شده است. برای مثال، طبق ماده ۲۹ قانون مذکور «مراجع قضایی می‌توانند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آن دستور لازم به ضابطین دادگستری بدهند».

۱. برای مثال، می‌توان از اجرای غیر مجاز یک نمایشگاه در شهرهای متعدد نام برد که نویسنده نمایشنامه از آن اطلاع پیدا نمی‌کند.

اقتصادی عرضه این اثر که انتظار می‌رود امکانات مالی و نیز انگیزهٔ پدیدآورندهٔ اثر برای خلق آثار جدید را افزایش دهد از کف وی خواهد رفت. با توجه به دو دلیل اصلی مذکور و دلایل ناگفتهٔ دیگر که از یک طرف، مؤید عدم امکان حضور مقتدرانهٔ قوهٔ قضائیه، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، برای مقابله با موارد نقض حقوق پدیدآورندگان کتاب باشد و از طرف دیگر، فقدان شرایط اقتصادی مناسب و این که هر پدیدآورنده به تنهایی نمی‌تواند این موارد را تعقیب کند، به نظر می‌رسد تشکل‌های صنفی پدیدآورندگان کتاب اثر بخش‌ترین و کارآترین نهاد و سازوکار برای اعادهٔ این حقوق و نیز انجام کارکردهای دیگری باشند که در ادامه به آن اشاره خواهد شد. مطالعهٔ پیشینهٔ شکل‌گیری مفهوم حق مؤلف یا حق نشر و عملی شدن آن در قالب قوانین حق مؤلف، گواه این واقعیت است که ظهور این پدیده اصولاً ناشی از حرکت جمعی اعضای گروه‌های ذی‌نفع در قالب تشکل صنفی بوده است. برای مثال، در انگلستان که مفهوم «حق مؤلف»<sup>۱</sup> نخستین بار در اوایل قرن هجدهم میلادی در آن کشور شکل گرفت، در اواسط قرن شانزدهم، پادشاه انگلستان در پی درخواست و فشارهای مختلف صنف ناشران کتاب (موسوم به «کمپانی ناشران»<sup>۲</sup> لندن) به آن اجازه داد که کتاب‌هایی را که بدون مجوز این تشکل چاپ و منتشر می‌شوند نابود کند. در واقع، ناشران فوق از طریق فرمان پادشاه امکان جلوگیری از چاپ مجدد کتاب‌هایی را که بدون اجازهٔ ناشر اولیهٔ آن صورت می‌گرفت پیدا کردند.<sup>۳</sup>

1. copyright

2. Stationary Company

۳. برای آگاهی بیشتر از جریان شکل‌گیری مفهوم حق مؤلف و قانون‌گذاری حق مؤلف در انگلستان، که اساساً (و منطقاً) در پاسخ به نیازها و فشارهای گروه ذی‌نفع ناشران شکل گرفته است نگاه کنید به: Cornish, 1993.

پیش از آن‌که به معرفی تشکّل‌های صنفی عمده صنعت کتاب در ایران و بیان عملکرد آن‌ها در حوزه حق مؤلف پردازیم چند کارکرد اصلی این تشکّل‌ها بیان خواهد شد. امید است با فراهم شدن شرایط فعالیت مؤثر تشکّل‌های صنفی این کارکردها تحقق یابد و، در نتیجه، آثار مثبت آن در گسترش تولید و عرضه کتاب در کشور پدیدار شود.

۱-۱. کارکرد تشکّل‌های صنفی در حمایت از حقوق مادّی پدیدآورنده کتاب همان‌طور که اشاره شد، هزینه‌های مالی و غیر مالی نسبتاً سنگین پیگیری موارد نقض حقوق مادّی پدیدآورنده کتاب (در مقایسه با فواید احتمالی آن که اعاده بخشی از منافع اقتصادی استفاده غیرمجاز از اثر است) اغلب وی را از تعقیب نقض‌کنندگان این حقوق باز می‌دارد. برای رفع این مشکل که بسته به درجه کارآیی بوروکراسی، حجم آثار مورد استفاده و عوامل دیگر، کما بیش در عموم کشورها وجود دارد، تشکّل صنفی در نقش نماینده و حامی منافع اقتصادی پدیدآورنده اثر از حقوق مادّی وی مراقبت می‌کند.

در این مقاله جای آن نیست که کارکرد اقتصادی این تشکّل‌ها به تفصیل بیان شود، اما حداقل به نظر می‌رسد که این تشکّل‌ها بتوانند مشابه شرکت بیمه عمل کنند و در قبال دریافت مبلغ معین و نسبتاً ناچیز از پدیدآورنده کتاب، از اثر وی در مقابل خطر استفاده‌های انتفاعی غیر مجاز مراقبت کند. در واقع، این‌گونه تشکّل‌ها به سبب توان مالی کافی که بر اثر تجمّع وجوه پرداختی توسط پدیدآورندگان آثار ایجاد می‌شود، قادرند شبکه اطلاعاتی گسترده‌ای برای ثبت انواع استفاده‌های انتفاعی از آثار ایجاد کنند و با استخدام وکلای متخصص در حوزه حق مؤلف، متجاوزان به حقوق مادّی پدید آورندگان کتاب را تحت تعقیب قضایی قرار دهند و، در نتیجه، حقوق نقض‌شده مذکور را به پدیدآورنده اولیه بازگردانند.

۱-۲. کارکرد تشکل‌های صنفی صنعت کتاب در اصلاح و تکمیل قانون حق مؤلف کارکرد دیگر تشکل‌های صنفی پدیدآورندگان کتاب، که شاید مهمتر از کارکرد سنتی آن باشد، اصلاح و تکمیل قانون حق مؤلف است. اجتناب‌ناپذیر بودن اصلاح و تکمیل این قانون از واقعیت انکارناپذیر وقوع تحولات مستمر تکنولوژیک در حوزه خلق و استفاده‌های جدید از انواع آثار فرهنگی و هنری از جمله کتاب نشأت می‌گیرد. برای مثال، تا یکی دو دهه پیش مقوله‌ای به نام «حق مؤلف در زمینه نشر الکترونیکی کتاب» وجود نداشت. تشکل‌های صنفی نقش پیشرو در آگاهی از پیدایش تکنولوژی‌های جدید تولید و استفاده از آثار فرهنگی و هنری و انعکاس آن در قوانین ملی حق مؤلف دارند. این واقعیت که در ایران، با گذشت بیش از سه دهه از تصویب اولین قانون حق مؤلف هنوز در این قانون اصلاحاتی که متناسب با تحولات تکنولوژیک مذکور باشد صورت نگرفته، از عوامل مختلف به‌ویژه نبود یا ضعف تشکل‌های صنفی ذی‌ربط ناشی می‌شود.

۱-۳. کارکرد تشکل‌های صنفی در استقرار و تحکیم اخلاق حرفه‌ای در حوزه حق مؤلف کارکرد دیگر تشکل‌های صنفی پدیدآورندگان کتاب این است که معیارهای اخلاقی فعالیت حرفه‌ای را بین اعضای خود ایجاد کرده و پایبندی اعضا به آن را نهادینه می‌کند. این کارکرد اجتماعی تشکل‌های صنفی، که برخی جامعه‌شناسان به تبیین آن پرداخته‌اند، در واقع، پایه قوام و دوام نظم اجتماعی در جامعه مدنی، به‌ویژه جوامع صنفی جدید است که در آن فعالیت‌های اقتصادی بین گروه‌های حرفه‌ای متحد تقسیم شده است.<sup>۱</sup>

۱. برای آگاهی بیشتر از آراء دورکهایم جامعه‌شناس مشهور فرانسوی درباره اخلاق حرفه‌ای، نگاه کنید به: Durkheim, 1973 (ترجمه انگلیسی). دورکهایم، ضمن آن‌که

حتی به فرض آن‌که تشکّل صنفی قادر به نظارت بر کلیه موارد استفاده انتفاعی از آثار تحت حمایت حق مؤلف باشد، شناسایی و تعقیب و مجازات نقض کنندگان حقوق مادی و معنوی اعضای تشکّل مستلزم صرف منابعی است (مانند وقت و کلا و هزینه گسترش بوروکراسی برای تعقیب و مجازات متخلفان) که می‌تواند در فعالیتی دیگر به صورت مولّد و برای افزایش رفاه جامعه به کار گرفته شود. وجود معیارهای اخلاقی که فرد را وادار کند تا منافع اقتصادی خود را با استفاده از ابزارهای مشروع و اخلاقاً مقبول در جامعه پیش ببرد، ضمن آن‌که امنیت خاطر پدید آورنده کتاب و هر اثر دیگر را تأمین می‌کند، از تحمیل هزینه‌های غیر ضروری بر جامعه جلوگیری می‌نماید. شاید بتوان گفت که کثرت و تنوع موارد نقض حق مؤلف در صنعت کتاب ایران در سال‌های گذشته، که گاهی تا حد کپی برداری برخی نویسندگان از آثار یکدیگر پیش رفته بود، تا حد زیادی از فقدان تشکّل‌های صنفی ذی‌ربط ناشی شده باشد. گفتنی است که در کشورهای توسعه یافته برخی تشکّل‌های صنفی ضوابط رفتار حرفه‌ای مناسب را (که در زبان انگلیسی موسوم به Code of Conduct است) تدوین کرده و اعضا را به رعایت آن فرامی‌خوانند و حتی، در قالب برخی از این ضوابط، سازوکار تنبیهی مانند نقض پروانه فعالیت و خاتمه عضویت در تشکّل را برای پیش‌گیری از نقض این ضوابط در نظر گرفته‌اند.

---

→ به بررسی مسائل اجتماعی ناشی از ظهور و گسترش سرمایه داری در اروپای قرن نوزدهم پرداخته، اعتقاد دارد که تحقق نظم اجتماعی در جوامع مدرن مستلزم آن است که فعالیت و زندگی اقتصادی شکل اخلاقی پیدا کند و این شرط از طریق شکل‌گیری تشکّل‌های صنفی تأمین می‌شود.

۲- معرفی تشکل‌های صنفی عمده صنعت کتاب ایران در حوزه حق مؤلف<sup>۱</sup> با توجه به زمینه نظری مذکور در باره کارکرد تشکل‌های صنفی صنعت کتاب در حوزه حق مؤلف، اکنون به معرفی مهم‌ترین این تشکل‌ها می‌پردازیم. پیش از آن، توضیح دو مطلب ضرورت دارد. اولاً، معنای صنفی تشکل‌های صنفی صنعت کتاب در حوزه حق مؤلف این است که تشکل‌های معرفی شده در این قسمت، تشکل‌هایی را که با هدف‌هایی غیر از حمایت از حقوق مادی و معنوی اعضا در حوزه حق مؤلف (مانند شرکت تعاونی ناشران تهران) تشکیل شده باشند در بر نمی‌گیرد. ثانیاً، معرفی تشکل‌های صنفی بر حسب سابقه و قدمت فعالیت آن‌ها انجام شده است نه معیار دیگر. بنابراین، تقدّم و تأخّر تشکل‌های صنفی معرفی شده را نباید نشانه علائق نگارنده دانست.

## ۱-۲. اتحادیه ناشران و کتاب فروشان تهران

این اتحادیه در سال ۱۳۳۶ تشکیل شده و اکنون بیش از ۶۰۰ عضو دارد. در اساسنامه اتحادیه، که پیش از تصویب «قانون حمایت حقوق مؤلفان و

۱. در این قسمت اطلاعات مربوط به هر تشکل صنفی از یکی از دست‌اندرکاران آن تشکل اخذ شده است، مگر آن‌که منبع دیگری برای آن ذکر شده باشد. همین‌جا لازم است از آقای سید حسن کیانیان عضو هیأت مدیره اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، آقای علی اشرف درویشیان عضو سابق هیأت دبیران کانون نویسندگان ایران، آقای محسن هجری عضو هیأت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، آقای اتفاق عضو هیأت مدیره مجمع ناشران الکترونیکی و آقای محمدرضا طلائی عضو اتحادیه صادرکنندگان نرم‌افزار، برای مساعدت ارزنده ایشان در ارائه اطلاعات در خواستی قدردانی شود. کامل نبودن اطلاعات مربوط به انجمن قلم ایران، مجمع ناشران الکترونیکی و اتحادیه صادرکنندگان نرم‌افزار ناشی از عدم همکاری کافی دست‌اندرکاران تشکل‌ها در ارائه سایر اطلاعات درخواستی بوده است.

مصنّفان و هنرمندان» تهیه شده، مستقیماً به هدف آن برای استقرار و حمایت از حق مؤلف اشاره نشده، اما در عمل، اتحادیه با ایجاد نهادی موسوم به هیأت حل اختلاف، اختلافات نویسندگان با ناشران و ناشران با یکدیگر را در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه حق مؤلف رسیدگی و داوری می‌کند. این هیأت، که اکنون چهار ناشر با تجربه در آن عضویت دارند، از سال ۱۳۵۲ در اتحادیه تشکیل شده و در سال‌های اخیر به طور متوسط هر ماه دو جلسه داشته است» (به نقل از رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، کتاب هفته، شماره ۱۱۸، اسفند ۱۳۷۹). برای مثال، در جریان رسیدگی به شکایت آقای ایرج افشاری (نویسنده) از یک ناشر، که موضوع شکایت به حوزه حق مؤلف مربوط شده، هیأت مذکور به نفع نویسنده رای داده است. (نگاه کنید به کتاب هفته، شماره ۱۱۶، ۱۳۷۹، ص ۳). برخی از اقدامات دیگر اتحادیه در سال‌های اخیر، که به حوزه حق مؤلف مربوط می‌شود، به شرح زیر است:

- ۱) اتحادیه در صدد برگزاری سمیناری در سال ۱۳۸۰ برای بررسی قوانین کپی رایت بود که به دلایل اعلام نشده برگزار نشد. (نگاه کنید به کتاب هفته، سوم آذر ۸۰، ص ۱۵).
- ۲) اتحادیه در فراخوانی از کلیه ناشران و پدید آورندگان آثار خواست تا مهمترین عوامل در عقد قرار داد بین ناشر و پدیدآورنده اثر را بیان کنند. (نگاه کنید به گزارش کتاب، شماره‌های ۳۳ و ۳۴، مرداد و شهریور ۷۹). برخی نویسندگان و ناشران به این نظر خواهی پاسخ دادند. (برای مثال، نگاه کنید به همان منبع، شماره ۳۹، بهمن ۷۹، ص ۶-۷).

۳) اتحادیه در سال ۱۳۷۶، طی اعلامیه‌ای رسمی، آمادگی خود را برای ثبت نام کتاب‌هایی که ترجمه آن‌ها شروع شده یا به اتمام رسیده به اطلاع عموم رسانید «و تلاش کرد، به سهم خود، در

زمینه‌ی جلوگیری از ترجمه‌های مکرر اقدام کند. ولی متأسفانه به دلایلی دوستان اهل قلم با اتحادیه همکاری لازم را انجام ندادند» (گزارش کتاب، شماره ۳۷، دی ۷۹، ص ۷، به نقل از رئیس اتحادیه ناشران و کتاب فروشان تهران).

۴. گزارش کتاب، نشریه ماهانه اتحادیه که از سال ۱۳۷۶ منتشر می‌شود، با ارائه مطالب خبری و یا تحلیلی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به مقوله حق مؤلف ارتباط پیدا می‌کند، نقش مثبتی (هر چند نسبتاً کم) در اطلاع رسانی در خصوص این موضوع دارد. (برای مثال، نگاه کنید به گزارش کتاب، شماره‌های ۴۳ و ۴۴، خرداد و تیر ۱۳۸۰، ص ۱۸-۱۹. نویسنده مطلب مذکور که خود ناشر است، با ارائه ادله‌ای ضرورت رعایت حق مؤلف آثار خارجی (در ترجمه به فارسی) توسط ناشران کشور را تبیین کرده است.)

با وجود فعالیت‌ها و تلاش‌های مذکور، به نظر می‌رسد فعالیت اتحادیه در حوزه حق مؤلف، به دلایلی چند، که چند دلیل عمده آن در ادامه بیان خواهد شد، نسبتاً ناچیز بوده است. اولاً، بخش اعظم فعالیت اتحادیه، به‌ویژه در سال‌های ۱۳۷۵ به بعد، معطوف به اقداماتی چون تهیه پیش‌نویس قانون نشر (با هدف حل قطعی مسأله ممیزی کتاب)، اخذ معافیت مالیاتی برای فعالیت‌های انتشاراتی از دولت، اخذ انواع تسهیلات مالی از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و تلاش برای حذف مقررات محدودکننده فعالیت‌های مذکور مانند اخذ مجوز فعالیت ناشران در اماکن غیر تجاری بوده است. در یک تحلیل کلی، به نظر می‌رسد این‌گونه فعالیت‌ها فرصت‌چندانی برای تلاش اتحادیه در حوزه حق مؤلف، که هنوز در جامعه توسعه‌نیافته ایران کالای عقلی قلمداد می‌شود) و بنابراین، کوشش برای سر و سامان دادن به آن ضروری تصور نمی‌شود)، نگذاشته است. شاهد این ادعا، برنامه‌های مورد نظر نامزدهای عضویت

در هیأت مدیرهٔ اتحادیهٔ ناشران یا برنامه‌های جاری هیأت مدیرهٔ موجود آن است که در آن هیچ اشاره‌ای به مسائل حق مؤلف در کشور نشده است. (برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: گزارش کتاب، شماره‌های ۴۳ و ۴۴، ص ۱۵۷ و شمارهٔ ۴۸، ص ۸-۹).

ثانیاً، بخش اعظم کتب منتشره توسط اعضای اتحادیهٔ ناشران و کتابفروشان تهران و، به طور کلی، توسط ناشران سراسر کشور، ترجمهٔ آثار خارجی (و عمدتاً آثار انگلیسی زبان) است. به دلیل عدم عضویت ایران در قرار و مدارهای بین‌المللی حق مؤلف، طبیعتاً، این‌گونه آثار از حیطهٔ اختلافات و شکایت‌های محتمل در حوزهٔ حق مؤلف خارج می‌شود. در صورت الحاق ایران به قرار و مدارهای بین‌المللی مذکور، انتظار می‌رود حجم اختلافات ناشران و نویسندگان ایرانی با ناشران و نویسندگان خارجی بر سر حقوق مؤلف در آن حد باشد که برخورد فعال‌تر اتحادیهٔ ناشران و کتابفروشان تهران و، به طور کلی، هر تشکل صنعتی صنعت کتاب در کشور با مقولهٔ حق مؤلف را ضرورت بخشد. البته، هم اکنون برخی ناشران ایرانی طی توافقات دو جانبه با ناشران خارجی، عملاً، حقوق ناشران و مؤلفان خارجی را رعایت می‌کنند و حتی خواستار تسری آن به کلیهٔ ناشران داخلی و، در واقع، خواستار الحاق ایران به قرار و مدارهای بین‌المللی در زمینهٔ حق مؤلف کتاب هستند. (برای آگاهی از نظرات یکی از این‌گونه ناشران، نگاه کنید به: گزارش کتاب، شماره‌های ۴۳ و ۴۴، خرداد و تیر ۸۰، ص ۱۸-۱۹).

## ۲-۲. قانون نویسندگان ایران

این قانون، با هدف «تأمین آزادی بیان در چارچوب قانون اساسی و اعلامیهٔ حقوق بشر» و «حمایت از حقوق مادی اهل قلم»، در اردیبهشت ۱۳۷۴ تشکیل شد. در مادهٔ سه اساسنامهٔ قانون، که هم‌اکنون حدود ۲۰۰

عضو دارد، یکی از اهداف آن «حمایت از حقوق صنفی اعضا» اعلام شده است. همچنین، طبق بند هفت منشور کانون، «کانون از حقوق مادی، معنوی، حیثیت اجتماعی و امنیت جانی، حرفه‌ای، شغلی نویسندگان ایران دفاع می‌کند». (برای آگاهی بیشتر از چگونگی تشکیل و فعالیت کانون در سال‌های پیش از انقلاب، نگاه کنید به: محمدیگی، ۱۳۷۹، ص ۳۴-۳۶). گفتنی است که آقای محمدعلی سپانلو یکی از اعضای کانون، چند سال پیش کتابی درباره سابقه شکل‌گیری و فعالیت کانون، از جمله در حوزه حق مؤلف و استیفای حقوق مادی نویسندگان، به رشته تحریر درآورده که هنوز مجوز انتشار نگرفته است. طی سال‌های ۷۹-۱۳۸۰ سه مورد اختلاف بین نویسندگان عضو کانون با ناشران عضو اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران در حوزه حق مؤلف پیش آمده که پس از رایزنی کانون و اتحادیه، این موارد اختلاف با جلب رضایت نویسندگان حل و فصل شده است. این امر نشانه تعامل سازنده دو تشکل صنفی نویسندگان (که ظاهراً تضاد منافع دارند) در زمینه حل و فصل اختلافات مربوط به حق مؤلف است. جالب است که در همین مدت، برخی نویسندگان عضو کانون با ناشران غیر عضو اتحادیه در زمینه حق مؤلف اختلاف داشته‌اند که کانون نتوانسته اقدام مؤثری برای حل آن انجام دهد.

### ۲-۳. انجمن نویسندگان کودک و نوجوان

این انجمن در اوایل سال ۱۳۷۷ تشکیل شده است. در ماده ۱۸ اساسنامه این انجمن، که حدود ۲۴۰ عضو دارد و در اواخر سال ۱۳۷۷ به تصویب رسید، یکی از اهداف انجمن که (با مقوله حق مؤلف ارتباط دارد) «حمایت و صیانت از حقوق اعضا» عنوان شده است. طبق ماده ۳۸ این اساسنامه، «حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی اعضا» و نیز «تشکیل کمیته‌هایی برای پیگیری وظایف» از جمله وظایف هیأت مدیره اعلام

شده است. گفتنی است که کمیته حقوقی انجمن در انجام وظیفه فوق و با هدف حمایت از حقوق مادی و معنوی اعضا تشکیل شده و فعالیت‌های مثبتی مانند تهیه قرارداد پیشنهادی نشر بین نویسندگان و ناشر و استیفای حقوق تضییع شده نویسندگان عضو انجمن انجام داده است:

کمیته حقوقی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، با همفکری نویسندگان و کارشناسان و ناشران، قرارداد پیشنهادی نشر بین نویسندگان و ناشر را آماده کرده است تا در صورت تمایل در اختیار مؤلفان و ناشران قرار گیرد. این قرارداد پیشنهادی ۲۲ ماده و ۶ تبصره دارد و در آن ملاحظات حقوقی مختلف منظور شده تا، به شکل منصفانه و بدون بروز اختلاف، کتاب منتشر شود. تجدید نظر در اثر، انتخاب و تغییر نام، تألیف دسته جمعی، زمان بندی تألیف و چاپ و پرداخت حق تألیف، از جمله موارد پیش‌بینی شده در این قرارداد است (کتاب هفته، ۱۳۸۰).

انجمن در سال‌های ۷۹-۱۳۸۰ از حدود ۲۰ مورد اختلاف نویسندگان عضو با ناشران در زمینه حق مؤلف که به آن ارجاع شده، ۱۷ مورد را حل و فصل کرده است. در این مدت موارد ارجاعی اختلاف نویسندگان عضو انجمن با نویسندگان دیگر دو مورد بوده است.

«در پی شکایت خسرو صالحی و آحد وکیلان (عضو انجمن) از یکی از سازمان‌های دولتی مبنی بر عدم پرداخت حق التحقیق، کمیته حقوقی انجمن موضوع را پیگیری کرد. پس از پیگیری انجمن، برخورد مدیران آن سازمان با عضو انجمن، که قبلاً غیر مؤدبانه و توهین‌آمیز بوده، تغییر کرد و در فاصله کوتاهی خواسته به حق این دو نویسنده را اجابت کردند. گفتنی است این چندمین بار است که 'قدرت جمعی' نویسندگان در احقاق حقوق فردی اعضا به نمایش گذاشته می‌شود.» (خبرنامه داخلی انجمن، شماره ۳۴، سال ۱۳۸۰، ص ۷).

## ۴-۲. انجمن قلم ایران

انجمن قلم ایران در سال ۱۳۷۷ تشکیل شده است. طبق اساسنامه انجمن، یکی از اهداف آن «دفاع از حقوق معنوی و مادی پدیدآورندگان آثار قلمی در زمینه‌های پیش گفته<sup>۱</sup> و تلاش برای رفع نارسایی‌ها و موانع احتمالی موجود در برابر این آثار» عنوان شده که به نظر می‌رسد مستقیماً با مقوله حق مؤلف ارتباط داشته باشد. این انجمن که حدود ۲۰۰ عضو دارد، دارای خبرنامه داخلی برای اطلاع‌رسانی به اعضای خود است و به نظر می‌رسد قصد دارد در آن مسائل مربوط به حق مؤلف را نیز بگنجانند. برای مثال، در اولین شماره خبرنامه مذکور، انجمن از اعضای خود خواسته است که قرارداد تألیف یا ترجمه اثر را، که طبیعتاً بخش اعظم مسائل احتمالی حق مؤلف بین نویسنده یا مترجم با ناشر در آن انعکاس پیدا می‌کند، پیشنهاد کنند. نگارنده، به رغم برقراری ارتباط با چند عضو و مسؤول انجمن، متأسفانه نتوانست اطلاعات مربوط به موارد احتمالی اختلاف در حوزه حق مؤلف را که توسط انجمن قلم ایران رسیدگی و حل و فصل شده باشد به دست آورد.

## ۵-۲. مجمع ناشران الکترونیکی

یک تحول تکنولوژیک اساسی در شیوه تولید و انتشار کتاب، پیدایش تکنولوژی نشر الکترونیکی یا نشر غیر کاغذی است. متناسب با این تحول، در اواخر سال ۱۳۷۹، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای به تصویب رسید.<sup>۲</sup> به دنبال تصویب این قانون، مجمع

۱. بندهای دیگری از اساسنامه انجمن قلم ایران این «زمینه‌های پیش گفته» را مشخص کرده است. یکی از این زمینه‌ها اشاعه ارزش‌های الهی و انسانی است.

۲. به نظر می‌رسد وضع این قانون از این تصور ناشی شده باشد که آثار تحت شمول در -

ناشران الکترونیکی در اواخر سال ۱۳۷۹ تشکیل شد. این مجمع که حدود ۴۰ عضو دارد و هنوز اساسنامه آن به تصویب نرسیده، در پی تدوین آیین‌نامه حمایت از حقوق مؤلفان و ناشران الکترونیکی است. (به نقل از مصاحبه دبیر مجمع، کتاب هفته، شماره ۴۵، اسفند ۸۰، ص ۰۴). گفتنی است که، در پی رایزنی ناشران الکترونیکی با قوه قضائیه، یک شعبه تخصصی در دادگستری برای رسیدگی به شکایات و اختلافات مربوط به حق مؤلف در حوزه نشر الکترونیکی تشکیل شده است. اتحادیه صادرکنندگان نرم‌افزار نیز در اواسط سال ۱۳۸۰ تشکیل شده و یکی از اهداف اصلی آن حمایت از حق مؤلف اعضا در برابر متجاوزان احتمالی به این حقوق است.

در باره عملکردتشکل‌های صنفی نویسندگان کشور در حوزه حق مؤلف بیان چند مطلب شاید مفید باشد. اولاً، صرف نظر از کانون نویسندگان که فعالیت‌های آن عمدتاً صبغه سیاسی داشته، این تشکل‌ها در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ و در مقطع ریاست جمهوری آقای خاتمی شکل گرفته است. همان‌طور که در ادامه به تفصیل بیان خواهد شد، این امر نشانه مساعد شدن فضا برای فعالیت تشکل‌های صنفی در این مقطع است. ثانیاً، اگر نویسندگان کار نویسندگی را به عنوان شغل فرعی دنبال می‌کنند و، بنابراین، برخلاف ناشران حرفه‌ای که سرمایه مالی نسبتاً کلانی را در فعالیت نشر به کار می‌اندازند، انگیزه مادی کمتری برای مطالبه حقوق مادی نقض شده خود دارند. ثالثاً، طبق یک نظریه اقتصادی که در باره

---

→ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (مصوب ۱۳۴۸) در برگیرنده کتاب الکترونیکی و، به طور کلی، آثار نرم‌افزاری الکترونیکی نیست. (برای آگاهی از قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای، نگاه کنید به: روزنامه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱۲-۱۴۱۴).

رفتار گروه‌های مشخص عرضه‌کننده کار از جمله نویسندگان در بازار کار است، انگیزه‌های غیر مادی نقش اول را در عرضه کار آن‌ها به بازار (و در این‌جا، برای فعالیت نویسندگی) ایفا می‌کند. (برای آگاهی از این نظریه، نگاه کنید به: پیکاک، آلن، ۱۳۷۶، فصل ۶، ص ۹۹-۱۰۱). بنابراین، جای تعجب ندارد که برخی نویسندگان، به رغم آگاهی از نقض حقوق مادی خود، از پیگیری آن صرف نظر می‌کنند. (برای مثال، مراجعه کنید به مورد انتشار غیر مجاز یکی از آثار مصطفی رحیمی توسط یک ناشر، کتاب هفته، ۱۳۸۰). رابعاً، تفرّق نویسندگان ایرانی در چند تشکل صنفی تا حدی از تفاوت‌گرایی‌های سیاسی آنان ناشی می‌شود. به نظر می‌رسد که شاید بهتر باشد نویسندگان کشور برای پیشبرد منافع صنفی، یک تشکل واحد تشکیل دهند و فعالیت برای پیشبرد علائق سیاسی و حزبی خود را در قالب تشکل‌های ذی‌ربط انجام دهند. این امر، تأثیری بسزا در استقرار حقوق مادی و معنوی نویسندگان خواهد داشت.

### ۳. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با مروری بر سابقه شکل‌گیری تشکل‌های صنفی صنعت کتاب که در حوزه حق مؤلف نیز فعالیت دارند، این نتیجه به دست می‌آید که غالباً در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ یا مقطع ریاست جمهوری آقای خاتمی تشکیل شده‌اند. در واقع، اهتمام دولت ایشان به گسترش نهادهای مدنی نتایج مثبت خود را در صنعت کتاب نیز نشان داده و ما نه فقط شاهد پیدایش تشکل‌های صنفی جدید، مانند انجمن نویسندگان کودک و نوجوانان و انجمن قلم ایران، بوده‌ایم بلکه تشکل‌های صنفی باسابقه، مانند اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، نیز در این مقطع فعال‌تر شده‌اند.<sup>۱</sup> پیدایش یا

۱. به عنوان شاهد این افزایش فعالیت، برای مثال، اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران -

تقویت تشکّل‌های مذکور طبیعتاً احتمال حلّ و فصل مسائل صنفی مبتلابه، خصوصاً در حوزه حق مؤلف را، که طبق مطالب قسمت اول مقاله، استقرار و یا اعاده این حقوق از طریق اقدامات انفرادی به دلیل هزینه نسبتاً سنگین آن دشوار است، افزایش داده است. مروری اجمالی بر فهرست اقدامات تشکّل‌های صنفی عمده صنعت کتاب در حوزه حق مؤلف، که در قسمت قبل بیان شد، شاهد صحّت این ادّعاست.

ضمن پذیرش این واقعیت که وجود تشکّل‌های صنفی مورد اشاره در قسمت دوم کمابیش تأثیر مثبتی در حلّ و فصل مسائل مورد اختلاف در حوزه حق مؤلف و مهمتر از آن در کاهش شمار تخلفات مربوط به این حوزه داشته، اما نگارنده از منابع محدود موجود (مانند نشریه‌های خبری تشکّل‌های صنفی مذکور) و نیز از خلال گفت‌وگو با دست‌اندرکاران تشکّل‌های مذکور به این نتیجه می‌رسد که «حق مؤلف» مفهوم و پدیده‌ای نسبتاً ناشناخته در صنعت کتاب ایران است. برای مثال، یکی از دست‌اندرکاران مذکور، اقدامات تشکّل متبوع در زمینه حقوق دوران بازنشستگی و بیمه خدمات درمانی را به عنوان یک زیر مجموعه از فعالیت‌های آن تشکّل در حوزه حق مؤلف بیان می‌کرد.<sup>۱</sup>

با توجه به مطالب مندرج در قسمت‌های مختلف این مقاله، اقدامات پیشنهادی نگارنده برای بهبود وضعیت حق مؤلف در صنعت کتاب

که در کل دورهٔ چهار سالهٔ فعالیت خود (تا سال ۱۳۷۶) تنها حدود سه سال دارای نشریه برای اطلاع‌رسانی به اعضا بوده است (یعنی سالهای ۵۰-۱۳۵۲) طی پنج سال اخیر (۷۶-۱۳۸۰) این نشریه را به طور مستمر منتشر کرده است. (نگاه کنید به شماره‌های مختلف گزارش کتاب).

۱. همچنین، در نشریهٔ خبری یکی از تشکّل‌های صنفی اصطلاح «حقوق جانبی اثر» (موسوم به neighbouring rights)، اشتباهاً، حقوق مجاوران اثر ترجمه شده بود. (نگاه کنید به: گزارش کتاب، شمارهٔ ۵۲، اسفند ۱۳۸۰، ص ۲۲).

کشور، بنابر موضوع مقاله متوجه تشکل‌های صنفی صنعت کتاب است نه سازمان‌های دولتی ذی‌ربط در حوزه حق مؤلف<sup>۱</sup> مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

اولاً، همان‌طور که در پاراگراف قبل اشاره شد، در صنعت کتاب کشور شناخت کافی از حق مؤلف وجود ندارد چه رسد به مصرف‌کنندگان کتاب، و همین نقیصه شاید منشأ بسیاری از اختلافات مبتلابه در حوزه حق مؤلف باشد. پیشنهاد می‌شود تشکل‌های صنفی صنعت کتاب که دارای نشریه‌های خبری یا اطلاع‌رسانی هستند بخشی از مطالب نشریات خود را به آموزش این پدیده اختصاص دهند. گفتنی است که تشکل‌های صنفی صنعت کتاب در کشورهای پیشرفته، به رغم آگاهی نسبتاً بالای شهروندان این کشورها از مفاهیم و پدیده‌های نوظهور و مدرنی چون حق مؤلف، این وظیفه را ایفا می‌کنند. برای مثال، اتحادیه ناشران آمریکا با فعالیت‌هایی چون انتشار قوانین و مقررات کپی‌رایت (چه در شکل سنتی آن یعنی کتاب و چه در شکل نوارهای صوتی تصویری) و نیز انتشار کتاب و پرسش و پاسخ اعضای اتحادیه و مردم و مطلعان در مورد قانون کپی‌رایت، تلاش می‌کند که زمینه بروز اختلاف در حوزه حق مؤلف را، که از ناآگاهی یا کم‌اطلاعی عرضه و تقاضا کنندگان کتاب ناشی می‌شود نه نیت مجرمانه، از بین ببرد. (برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: گزارش کتاب، شماره ۴۰، اسفند ۷۹، ص ۱۹).

اما برخی اختلافات در حوزه حق مؤلف ناشی از نیت مجرمانه متخلفان است. به عبارت دیگر، متخلفان، با هدف بهره‌برداری انتفاعی و

۱. تمرکز پیشنهادهای این مقاله بر تشکل‌های صنفی صنعت کتاب به این معنا قلمداد نشود که سازمان‌های دولتی ذی‌ربط، به‌ویژه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وظیفه و مسؤلیتی برای بهبود وضعیت حق مؤلف در صنعت کتاب ندارند.

غیر مشروع از آثار دیگران، اقدام به اشکال مختلف تکثیر بدون مجوز آن آثار می‌کنند. همان‌طور که در قسمت اول مقاله بیان شد، در کشورهای توسعه‌یافته برخی تشکّل‌های صنفی ضوابط اخلاقی رفتار حرفه‌ای موسوم به Code of Conduct را تدوین کرده و اعضا را به رعایت آن فرامی‌خوانند و حتی در قالب برخی از این ضوابط سازوکارهای تنبیهی، مانند نقض پروانه فعالیت و خاتمه عضویت در تشکّل، را برای پیش‌گیری از نقض این ضوابط در نظر گرفته‌اند. تشکّل‌های صنفی صنعت کتاب در ایران نیز می‌توانند با تدوین چنین ضوابطی که البته متناسب با شرایط بومی کشور باشد احتمال بروز تخلف‌های عمدی و مجرمانه را به حداقل برسانند. همان‌طور که در قسمت اول مقاله بیان شد، کمک به اصلاح و تکمیل قانون حق مؤلف یکی از کارکردهای مهم تشکّل‌های صنفی صنعت کتاب است. به عبارت دیگر، با توجه به واقعیت انکارناپذیر وقوع تحولات مستمر تکنولوژیک در حوزه خلق و استفاده‌های جدید از انواع آثار فرهنگی و هنری از جمله کتاب، به نظر می‌رسد این تشکّل‌ها که در فرآیند فعالیت خود عملاً با این تحولات سروکار دارند در موقعیت بهتری برای درک اصلاحات لازم در قوانین و مقررات حق مؤلف دارند. پیشنهاد این مقاله این است که تشکّل‌های صنفی کتاب در هر سال با اقداماتی چون ارزیابی عملکرد خود در حوزه حق مؤلف و برگزاری نشست‌ها و انجام مطالعات کارشناسی برای شناخت کاستی‌های قوانین و مقررات مذکور، در اردیبهشت هر سال به مناسبت برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب و مهمتر از آن، به مناسبت روز ۲۴ آوریل (مصادف با سوم اردیبهشت) که از طرف یونسکو روز جهانی کتاب و حق مؤلف نامیده شده، به صورت انفرادی یا جمعی، «گزارش سالانه وضعیت حق مؤلف در ایران» را منتشر کنند. به نظر می‌رسد این گزارش، که می‌توان در آن آثار مربوط به حق مؤلف را طراح و ارائه کرد و حتی وزارت فرهنگ

و ارشاد اسلامی (به عنوان مرجع انتشار آمار فعالیت‌های فرهنگی و هنری) این آمار را در سالنامه آماری خود درج کند، راهنمای خوبی برای تصمیم‌گیرندگان و دست‌اندرکاران اصلاح و یا تغییر قوانین و مقررات موجود حق مؤلف در کشور باشد.

### منابع و مأخذ

۱. پیکاک، آلن و ریزو، ایلد، اقتصاد فرهنگ و سیاستهای فرهنگی، ترجمه محمدیگی، علی‌اعظم. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.
۲. روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه قوانین سال ۱۳۷۹، جلد دوم.
۳. کتاب هفته، شماره‌های مختلف، خانه کتاب ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. گزارش کتاب، شماره‌های مختلف (سال‌های ۸۰-۱۳۷۶)، خبرنامه اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران.
۵. محمدیگی، علی‌اعظم، بررسی نظام ملی حقوق مؤلف در ایران، انتشارات روش، ۱۳۷۹.
۶. محمدیگی، علی‌اعظم، «تشکل‌های حرفه‌ای و نقش آن در تحقق حقوق مادی پدید آورندگان آثار فرهنگی و هنری»، در کتاب اقتصاد و توسعه هنر، مجموعه مقالات گردهم‌آیی پژوهشی اقتصاد و توسعه هنر. ص ۱۷۵-۱۸۳، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰.
7. Cornish, W. R. *Intellectual Property: Patents, Copyright, Trademarks and Allied rights*, Universal Book Traders, 1993.

## پرسش و پاسخ

پرسش: در این بررسی که فرمودید، آیا این فکر تا به حال مطرح شده است که یک تشکّل در بخش خصوصی با حمایت دولت به وجود بیاید با این هدف که برای انعقاد قراردادهای مؤلفان و ناشران ما با طرف‌های خارجی تسهیلاتی ایجاد کند تا مقوله ترجمه و تأمین و تضمین حقوق مؤلفان به یک شکل اصولی صورت بگیرد؟ زیرا اگر ما بخواهیم عضو کنوانسیون برن یا سازمان جهانی تجارت بشویم این یک ضرورت است که باید نهاد و تشکّل اصولی و جاافتاده‌ای در کشور ما باشد که قراردادهای خصوصی را به خوبی تضمین کند تا آن هدفی که ما داریم، یعنی انتقال آثار مؤلفان خارجی به شکل اصولی و منطقی به داخل، صورت تحقق یابد. آیا چنین اندیشه‌ای بوده یا نبوده؟ اگر نبوده، امیدی می‌شود بست که چنین تشکّلی با همکاری دولت به وجود بیاید؟

پاسخ: یکی از پیشنهادهای من این بود که ناشران ایرانی می‌توانند از طریق تشکّل‌های صنفی با ناشران خارجی وارد مذاکره شوند و قراردادهایی که حقوق ما را بیشتر تأمین کند و با مقتضیات کشور ما بیشتر سازگار باشد تنظیم کنند و، همان‌طور که شما اشاره کردید، دولت هم می‌تواند وارد این قضیه بشود. اتفاقاً حضور دولت ضرورت دارد، زیرا از توانایی کارشناسی در حوزه مسائل حقوقی این قراردادها برخوردار است و من بعید می‌دانم که اگر ناشران به دولت مراجعه کنند دولت خودداری کند از این مساعدت و قاعدتاً باید وزارت ارشاد استقبال بکند. البته تا آن‌جا که من اطلاع دارم، بعضی از ناشران ایرانی مستقیماً وارد مذاکره با ناشران خارجی شده‌اند و گویا آنان از ما حقوق مادی خیلی بالایی نیز مطالبه نمی‌کنند. از این طرف، ما می‌توانیم حقوق اقتصادی و مادی خوبی

از ترجمه کتاب‌های فارسی به زبان انگلیسی و زبان‌های دیگر به دست آوریم. در پاسخ سؤال شما باید بگویم که من موردی ندیدم یا خبری ندارم که حرکتی در این زمینه صورت گرفته باشد، ولی این حرکت می‌تواند صورت بگیرد.

پرسش: در این بررسی‌هایی که فرمودید، اولاً، آیا موردی دیده‌اید که یک نویسنده یا ناشر ایرانی از یک ناشر خارجی شکایت کرده باشد و بالعکس؟ ثانیاً، وزارت ارشاد و سازمان‌ها و نهادهای خصوصی نشر برای حل و فصل اختلافات در این زمینه چه اقداماتی کرده و می‌کنند؟

پاسخ: در حدی که من اطلاع دارم، موردی نداشتیم که ناشر ایرانی از ناشر خارجی یا بالعکس شکایت کرده باشد. علتش هم به نظر می‌رسد روشن باشد، چون ما تعهدی به ناشران خارجی نداریم و طبیعتاً هر دو طرف می‌توانند بدون اجازه از طرف دیگر آثارشان را تکثیر و یا ترجمه کنند، و البته گویا ما بیشتر ترجمه و تکثیر کرده‌ایم. شنیده‌ام که بعضی ناشران ما در نمایشگاه‌های کتاب خارجی شرکت کرده‌اند و به دلیل همین تکثیر و ترجمه بدون اجازه، ناشران خارجی با آنها برخورد مناسب نداشته‌اند. بعضی از ناشران ایرانی به این فکر افتاده‌اند که مسأله را خودشان حل بکنند و با ناشران خارجی به توافق برسند و حقوق طرف مقابل را رعایت کنند.

در مورد سؤال دوم شما راجع به حل اختلاف، در حدی که من اطلاع دارم، وزارت ارشاد، به خصوص در سال‌های قبل از روی کار آمدن دولت آقای خاتمی، یکی از ادارات آن به شکایت نویسندگان از ناشران رسیدگی می‌کرده است و فکر می‌کنم با وجود انجمن نویسندگان کودکان و نوجوانان و کانون نویسندگان و تشکل‌هایی از این قبیل، مراجعه به آنها کمتر شده است. به لحاظ نقض حقوق مؤلف کتابهایی که انتشارات دولتی

منتشر کرده‌اند، من جای مشخصی را سراغ نداشتم که بروم این آمار و اطلاعات را جمع آوری بکنم.

توضیحات تکمیلی دبیر همایش: من توضیح بیشتری در این مورد اخیر عرض کنم، چون بخش‌هایی به وزارت ارشاد مربوط می‌شود. قریب به دو سال است که کمیته‌ای با عنوان «کمیته ملی هماهنگی مالکیت فکری» در کشور تأسیس شده است. تأسیس این کمیته و راه‌اندازی آن به اطلاع سازمان جهانی مالکیت فکری هم رسیده و گزارش‌هایی هم از این کمیته منعکس شده است. این کمیته در سطح معاونان وزیر و رؤسای دستگاه‌های ذی‌ربط در کشور، مثل وزارت ارشاد، وزارت امور خارجه، وزارت بازرگانی، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، گمرک کشور، وزارت پست و تلگراف و تلفن، وزارت صنایع و معادن، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری و چند جای دیگر تشکیل می‌شود و به مهم‌ترین مسائل مربوط به سازمان‌دهی تأسیسات اولیه و سازوکار حقوقی و اجرایی برای راه‌اندازی سازمان ملی مالکیت فکری در کشور می‌پردازد. وزارت ارشاد، که بنده نمایندگی آن را در کمیته مذکور به عهده دارم، پیگیر مسائل مربوط به مالکیت ادبی و هنری در ارشاد و در این حوزه است. اقدامات اولیه برای تأسیس دفتر امور مالکیت فکری در حوزه فرهنگ و هنر صورت گرفته و دفتر به زودی تأسیس خواهد شد و در چند زمینه که وظیفه دولت است فعالیت خواهد کرد، که عمده‌تاً سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و حمایت از مراکز و تشکّل‌هایی است که در این زمینه فعالیت می‌کنند و علی‌القاعده در اجرائیات مربوط به این کار دخالتی نخواهد کرد و بیشتر سعی می‌کند به تدوین قوانین و مقررات مربوط به این کار بپردازد تا به کمک دستگاه‌ها و سازمان‌های ذی‌ربط بتوانند این امور را جلو ببرند و مشورت‌هایی بدهند به تشکّل‌های صنفی در تدوین قرار دادهای مناسب و منابع و مآخذ لازم را در این زمینه تهیه کنند و بانک اطلاعاتی جامع را در

این زمینه تشکیل دهند. در پاسخ به سؤال دیگر در مورد شکایت ناشران ایرانی از ناشران خارجی و بالعکس، همان‌طور که آقای محمدبیگی اشاره کردند، جز چند مورد انگشت‌شمار، موارد رسمی و منعکس شده‌ای در متون ما نیست. اخیراً یکی از ناشران لبنانی از طریق رایزن فرهنگی ایران در سوریه شکایتی مطرح کرده بود در باره چاپ غیر مجاز یکی از کتاب‌های خود. برای رسیدگی به این شکایت اقداماتی صورت گرفت ولی نه از مجاری قضایی، بلکه از طریق دیپلماسی سعی شد که این شکایت حل و فصل شود. متقابلاً، چند مورد شکایت از طرف ناشران ایرانی داشته‌ایم از ناشران خارجی، به‌خصوص در بیروت، در حوزه اُفتست غیر مجاز متون حوزوی ما، مثل بحارالانوار و تفسیر المیزان و بعضی دیگر از کتاب‌های درسی حوزوی. اطلاع دارید که در طول سال‌های گذشته این قبیل کتاب‌های ما در بیروت اُفتست می‌شد و نفیس‌تر از کتاب‌های چاپ داخل، با همان سبک و سیاق یا بعضاً با حروفچینی مجدد، به داخل کشور می‌آمد و از جمله در همین نمایشگاه کتاب تهران با قیمتی نازل‌تر از همین کتاب‌ها که ناشران ما در کشور زحمت تألیف یا تصحیح و سال‌ها ویراستاری و حروفچینی آن‌ها را کشیده‌اند عرضه می‌شد. امسال در نمایشگاه کتاب تهران بنا بر این شد که ناشران داخلی اگر کتابی را اُفتست کردند از ناشران خارجی اجازه نداشته باشند به فروش برسانند؛ متقابلاً اگر ناشران خارجی شرکت‌کننده در نمایشگاه، کتابی ایرانی را - اعم از این‌که به زبان فارسی باشد یا به زبان‌های دیگر - در کشور خودشان اُفتست کرده باشند و بخواهند به داخل کشور بیاورند و در این نمایشگاه به فروش برسانند این را هم اجازه ندادیم. در واقع، در این نمایشگاه، غیر از برگزاری این همایش که قدم اولیه برای طرح کارشناسانه بحث‌کپی‌رایت در ایران و مسائل مربوط به این موضوع است، اولین اقدام رسمی هم دست‌کم در جلوگیری از فروش کتاب‌های اُفتست‌شده از طریق

ناشران خارجی در ایران و بالعکس صورت گرفت.

خانم خلعتبری: متأسفانه این دستور لغو شد و کتاب‌های افست‌شده خارجی در ایران در نمایشگاه عرضه یا فروخته می‌شد.

آقای مؤیدالدین: این کمیته‌ای که آقای شفیع‌ی شکیب به آن اشاره کردند از دو سال پیش تشکیل شد و تا حالا کارهای خوبی کرده است. از جمله کارهایی که کرده این است که قوانینی را که نمونه‌اش را (از جمله در زمینه کپی‌رایت) از WIPO گرفته، با توجه به اصول اساسی حاکم بر قوانین ایران، بررسی و تطبیق کرده و یک پیش‌نویس تهیه کرده و آن را به WIPO فرستاده است. آن‌جا هم بررسی شد و نظراتی که بخش حقوقی WIPO داشت به آقایان ابلاغ شده که مشغول بررسی هستند. این متن وقتی نهایی شود برای تصویب به مجلس می‌رود. این نمونه قوانین که دارند آقایان بررسی می‌کنند و می‌نویسند منطبق است با آخرین تحولاتی که در این زمینه‌ها صورت گرفته و منطبق با قوانین تریپس است. الان هم دارند قانون کپی‌رایت را می‌نویسند و بررسی می‌کنند. از جمله کارهای دیگر این کمیته این است که بررسی می‌کند که چه سمینارهایی لازم است در ایران برای بالا بردن آگاهی و اطلاعات عمومی راجع به مسائل مربوط به مالکیت فکری برگزار شود. دو هفته پیش سمیناری داشتیم در باره اقتصادی کردن نتایج تحقیقات و نوآوری، با همکاری وزارت علوم. حدود ۵۰ نفر از خارج آمدند و حدود ۱۳۰ نفر محقق از دانشگاه‌های مختلف کشور شرکت کردند. یک کار اساسی دیگر که با همکاری سازمان جهانی مالکیت فکری در این کمیته تصویب شد و هفته پیش انجام شد این بود که توافقنامه‌ای بین وزارت علوم و تحقیقات و فناوری و نماینده WIPO نوشته شد برای تأسیس دوره فوق لیسانس مالکیت فکری در ایران که اگر این کار انجام شود و متخصصان حقوقی لازم در این زمینه در ایران تربیت شوند یک خدمت بزرگ است که در کشور انجام می‌شود.